

بایسته‌های کار فرهنگی در عصر حاضر

بالاترین کار فرهنگی این است که ما در همه چیزها بهترین‌ها را انتخاب کنیم و این بهترین‌ها را به دیگران یاد بدهیم.



بالاترین کار فرهنگی این است که ما در همه چیزها بهترین‌ها را انتخاب کنیم و این بهترین‌ها را به دیگران یاد بدهیم.

به گزارش خبرنگار مهر، بایسته‌های کار فرهنگی در عصر حاضر متن پیاده شده گفتاری از حجت‌الاسلام محمد مهدی ماندگاری که سالهای قبل در اصفهان ایراد شده است:

مبانی کار فرهنگی

کار فرهنگی مانند هر کاری یک سری مبانی خاص برای خود دارد. مبانی کار فرهنگی عبارتند از:

۱. خداباوری

خدا باوری اولین اصل کار فرهنگی است؛ به این معنا که ای بنده‌های من، به نعمی که به شما دادم نگاه کنید و به منبعش فکر کنید؛ اسم فکر کردن به منبع نعمت‌ها توکل و خدا باوری است. مهم‌ترین مشکل ما در کار فرهنگی این است که خدا را باور نداریم. بچه‌هایی که در این عصر خیلی سخت در حال کار فرهنگی هستید و راه عشق را می‌خواهید حدیث کنید، به تعبیر عزیزم «راه عشق آمدنی است نه آموختنی»، عشق را باید به دست آورد.

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

اولین قدم شما این است که خدا را باور کنید. اگر خدا را باور دارید خداوند متعال سه کلام برای شما دارد:

(۱) الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا [۱]

هر که اهل تلاش با اخلاص در راه ما باشد، به راه‌هایمان هدایتش می‌کنیم.

(۲) إن الله یدافع عن الذین آمنوا [۲]

هر که خدا را باور داشته باشد خدا از او دفاع می‌کند. دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. اگر می‌خواهید باور کنید، بروید شام. می‌بینید از قبر بنی امیه خبری نیست، اما خدا از رقیه سه ساله دفاع کرده است. حضرت رقیه (س) یک جمله ای را به پدر و عمه‌شان فرمودند: بابا، عمه، در سرزمین شام کار فرهنگی کردن خیلی سخت است، چون شامیان بیشترین دشنام‌ها را به علی (ع) و بچه‌های علی دادند. من در شام می‌مانم و شام را عوض می‌کنم. او در شام ماند و آن‌جا را عوض کرد. او در شام ماند و الآن می‌بینید تمام شهر دمشق شده است رقیه. اثری دیگر از یزید و معاویه نیست. در کار فرهنگی سن مطرح نیست. سه ساله هم می‌تواند کار فرهنگی کند. در کار فرهنگی «فینا» خیلی مهم است. باید اخلاص و ایمان باشد. نه مقدار مطرح است، نه کمیت. نه من، نه پول، نه عنوان نه چیز دیگر. روزی که حضرت زینب (س) در شام کار فرهنگی می‌کردند درون خرابه روی زمین‌ها نشسته بودند سقف هم نداشت. امکانات هم نداشت و این را هم بگویم هر چه امکانات بیشتر شود، توکل کمتر خواهد شد. پس کاری کنید توکل‌مان کم نشود.

(۳) قال الله تعالی «کن لی اکن معک»

ای بنده من تو برای من باش، من با تمام خدایم برای تو خواهم بود. من اسم این حدیث را «سند شراکت با خدا» گذاشته‌ام. سند شراکتی که هیچ‌با همه چیز می‌خواهد شریک شود.

۲. دین باوری و ایمان به اهل بیت (ع)

در دعای ندبه می خوانیم «این السیب المتصل بین الارض و السماء». واسطه همه نعمت ها وجود نازنین مهدی فاطمه (عج) است. اگر باور کردیم که ما امام و صاحب داریم، توسل قوی می شود. توسل هم یعنی اتصال. مجموعه فرهنگی اگر متصل به اهل بیت باشد، بوی عطر می دهد وگرنه بوی گند می دهد. مداح و آخوند متصل بوی عطر می دهند. دانشجویی آمده بود شلمچه استخوان های شهدا را برمی داشت و برای تمسخر بو می کرد. یک مرتبه حالش منقلب شد آن را به دوستش داد که بو کند. علت را سوال کردند. گفت: من آمده بودم شما را مسخره کنم که چرا دنبال این استخوان ها می گردید؟ ولی الان فهمیدم، بیست و چند سال از خدا عمر گرفته ام، بوی تعفن می دهم، ولی این استخوان ها سال هاست زیر خاک بوده، بوی عطر می دهد. این عطر همه به خاطر اتصال است و لذا باید توجه کنیم در کارهایمان با اهل بیت (ع) و شهدا شریک شویم تا عطر بگیریم.

۳. خودباوری

خود باوری یک بعد فردی دارد و یک بعد جمعی. جنگ به ما نشان داد که آدم در سیزده سالگی هم می تواند امام شود. علی اصغر امام حسین (ع) به همه فهماند که شش ماه هم می تواند سرباز خوبی باشد. منتها انسان باید خود را باور کند. تمام تلاش دشمن این است که به ما بقبولاند ما توان نداریم. و همه دعای امام زمان این است که خدایا این ها خودشان را باور کنند. وقتی خودمان را باور کردیم، فکرمان را با هم جمع می کنیم و این فکرهای کوچک یک فکر و نظر بزرگ را ایجاد می کند و با اتصال به خدا و اهل بیت بی نهایت خواهیم شد.

۴. نظم باوری

یکی از بزرگ ترین، مهم ترین و جدی ترین مبانی کار فرهنگی، برنامه ریزی است، که متأسفانه نداریم. منابع اصلی نظم قرآن و عترت است. زندگی اهل بیت مجسمه نظم است، از آخرین جملات امیرالمؤمنین (ع) که عصاره زندگی ایشان است، خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) این است: «اوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم [۳]».

نظم به معنای هدف مندی، اولویت بندی، امکان بندی، نیازسنجی، آسیب شناسی و امثال این هاست که همگی از اصول برنامه ریزی است. با ایجاد این نظم می توان از موازی کاری و هدر رفتن نیروها و امکانات و استعدادها جلوگیری کرد. مراکز فرهنگی امکانات زیادی دارند ولی برنامه ریزی می خواهد که متأسفانه کسی برای آن ها فکری نمی کند. همین امر باعث موازی کاری ها می شود و بعضی اوقات به خنثی سازی هم می رسد که از دردهای بسیار سخت جامعه فرهنگی ماست. از نکات زیبا و بسیار مهم در برنامه ریزی، بحث «شکار فرهنگی» است. امروز مجموعه های تبلیغاتی با چهار تا بوم و تراکت نمی توانند آدم جمع کنند، ولی با شکار امکان پذیر است. به هر نفر مسئولیت جذب چند نفر را بدهیم؛ حال با هر امکاناتی که برایش فراهم باشد، با اهدای نوار، سی دی، عکس، گل، شیرینی و... با هر چه که بشود. ما آن قدر جوان داریم که دوست دارند در این مجالس بیایند، اما به خاطر نگاه ما خجالت می کشند؛ چون نگاهمان به آن ها طور دیگری است. برنامه ریزی سه تا سین لازم دارد: سوز، سواد، سلیقه که عدم وجود هرکدام باعث به هم ریختگی برنامه می شود و نیروها را هدر می دهد.

۵. دشمن باوری

اگر باور کنیم که دشمن داریم، به تحرک خواهیم افتاد. زمان جنگ همه باور داشتند که دشمن داریم، چون جنگ مستقیم بود. اما امروزه مردم باور ندارند که دشمن داریم چون جنگ، جنگ غیرمستقیم است.

اصول کارهای فرهنگی

۱. زمان شناسی

ائمه ما، فوق تخصص زمان شناسی هستند. امام سجاد (ع) در سخت ترین زمان قرار می گیرند ولی ایشان دو شاهکار برای بحث فرهنگی و فرهنگ سازی انجام دادند که به ذهن هیچکس خطور نمی کرد:

الف) از خرید و فروش غلام استفاده نمودند. آن ها را تربیت می کردند و به عنوان اعزام مبلغ به سرتاسر کشور اسلامی می فرستادند.

ب) از راه دعا استفاده کردند زیرا هیچکس حساسیت به دعا نداشت. ایشان در دعا همه حرف هایشان را به همه نسل های انسانی زده اند.

۲. اقتضا شناسی

امروز، اقتضای ساختن سنگر و بستن پیشانی بند نیست. اقتضای امروز، زیبایی شناسی است. باید تمام اعمالمان زیبا باشد. زیباترین چهره، زیباترین اخلاق، زیباترین کار و زیباترین زندگی لازم است.

۳. وظیفه شناسی

وظیفه شناسی یعنی رسالت شناسی. باید ببینیم رسالت ما چیست؟ رسالت ما در برابر مسائل انسانی، اسلامی، شیعه گری، انتظار، انقلابریال دفاع مقدس و شهدا، هیأتی بودن، بسیجی بودن و ولایتی بودن، چیست؟ و چگونه باید در مورد این ها عمل کنیم؟

حرف آخر

خوشا به حال آن ها که به این آیه عمل کنند: «لیبلوکم أیکم أحسن عملاً [۴]». بالاترین کار فرهنگی این است که ما در همه چیزها بهترین ها را انتخاب کنیم و این بهترین ها را به دیگران یاد بدهیم. پی نوشت:

۱- سوره عنکبوت (۲۹)/ آیه ۶۹

۲- سوره حج (۲۲)/ آیه ۳۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۱

۱- سوره ملک (۶۷)/ آیه ۲.